**خطای بزرگ دونالد ترامپ با لغو پیمان پاریس!**

دونالد ترامپ در شرایطی موافقت نامه آب و هوایی پاریس را نادیده انگاشته و پنجشنبه شب آن را لغو کرد که کشورهای زیادی برای حمایت از محیط زیست و کاهش گازهای گلخانه ای که آینده زیست بشری را در کره زمین دچار مشکل می کند در سال 2015 به اتفاق نظر رسیده و در سازمان ملل مصوب شده بود. عملکرد دونالد ترامپ را در این قضیه به مانند سایر تصمیمات وی خیلی از رسانه ها و مقامات برجسته جهانی تصمیم دیوانه وار تلقی کردند. البته ترامپ علیرغم لغو این توافق نامه گفته است که در آینده می تواد بر روی موضوع و مفاد آن مذاکره کرده و موافقت نامه جدیدی را از سوی دولتش امضاء کند.

اما آنچه که در این میان مهم جلوه میکند اینکه، بسیاری از رهبران سیاسی جهان در زمان عقد توافقنامه آن را وسیله ای برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی، همکاری در زمینه رفع موانع در بهبود وضع محیط زیست و کاهش گازهای سمی گلخانه ای و نعمتی برای توسعه اقتصاد جهانی از طریق راهکاری نوین دانسته بودند. این ایمان و اصرار هنوز هم در میان سران کشورها وجود دارد.

در شرایط حاضر بسیاری از مشکلات ناشی از تغییرات آب و هوایی منجر به بروز بحرانهای جدی در سطح بین المللی شده است. اقتصاددانان نیز بر این باورند که در صورت عدم توجه به کاهش عوامل تغییرات اقلیمی و آب و هوایی بسیاری از محصولات زراعی که از عناصر اصلی حیات بشری است دچار بحران شده و علاوه از نابودی محیط زیست برای تولید نیازمندیهای بشری، مشکلات عدیده دیگر محیطی نیز ظهور خواهند کرد.

اما در حال حاضر رفتار دونالد ترامپ و تصمیم یک جانبه وی به حقیقت نشان میدهد که وی و مشاورانش در تحلیل و درک بسیاری از مسایل ملی و بین المللی دچار مشکل ادراکی هستند. در تصمیم گیریهای وی دو گزینه احتمالی وجود دارد. الف) یا اینکه ترامپ و دار و دسته اش تنها به مسایل مالی و تجاری می اندیشند و به مانند توسعه تجارت تسلیحاتی صرفاً به درآمد فکر می کنند ب) یا اینکه فاقد هر گونه روشنگری بوده و یا اگر هم باشند قدرت تأثیر گذاری بر ترامپ را ندارند. شاید هم به همین دلیل است که ولادیمیر پوتین به مزاح گفته است که ترامپ فردی صاف و شفاف در تصمیم گیریهایش است و به خوبی میتوان دیوانه وار عمل کردن وی پی برد. این امر نه تنها برای خود ترامپ گران تمام خواهد شد، که برای منافع کشورش هم تبعات زیادی را عارض خواهد نمود.

اگر از ژانویه سالجاری که وی به قدرت رسیده و نطقهایی داشته است، توجه کنیم؛ خواهیم دید که فرازهای وی عموماً در راستای تولید کار، حمایت از ساختار اقتصادی- مالی آمریکاست. آخرین توییت وی هم مصداق بارز بر این تصورمان می تواند باشد که در توییتر نوشته است: "آمریکا جبهه بزرگی در برابر خود می گیرد!" و با این توییت همان شب توافقنامه را ابطال کرد.

ناگفته پیداست که عملکرد و تصمیم وی نه تنها در سطح جهان موجب بروز مخالفتهایی شده است، حتی در درون آمریکا نیز غالب مردم و سیاسیون و حامیان وی در کنگره آمریکا و درون حزب جمهوری خواه به جبهه گیری در برابر ترامپ خواهند پرداخت. هنوز چند روزی نگذشته که نانسی پالیسی به صراحت اظهار میدارد که از نام بردن ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا احساس شرم می کند.

با تمام این اوصاف ترامپ با این تدبیر نابخردانه نه تنها به اقتصاد آمریکا کمکی نخواهد کرد که ریشه بخش استخدام را در زمینه های انرژی و تولید برق و استفاده از تکنولوژی انرژیهای نوین خواهد سوزاند. در کنار این هر روز که میگذرد، ترامپ با اقدامات و اظهارات خود نقش رهبریت آمریکا را نیز رو به افول سوق می دهد و همانطور که دیدارش از کشورهای حوزه خلیج فارس موجب آن شد که مایه تمسخر خاص و عام شود که در کنار آن دست خود را در حمایت از عربستان رو کرد و امروز آفتی عمده در شورای همکاری خلیج فارس ایجاد شده و دیری نخواهد پایید که کشورهای قطر و عمان، عراق، مصر و کویت از جرگه این شورا خارج خواهند شد.

به نظر میرسد که ترامپ در تحلیل مسایل بین المللی و تصمیم گیریهای جهانی دچار بیماری نزدیک بینی است و نمی تواند حتی تأثیرات منفی تصمیم گیریهایش را بر هم پیمانان و متفقین خود درک کند. همانطور که پوتین در نشست اقتصادی سن‌پترزبورگ با اظهاراتش در خصوص رفتار آمریکا هشدار جدی به جهانیان داد و گفت: "سپرموشکی آمریکا درآلاسکا، اروپا و کره جنوبی موازنه استراتژیک را درجهان به هم زده و برای روسیه چاره‌ای جز انجام اقدام متقابل باقی نگذاشته است." به همان میزان حمایت تسلیحاتی دولت آمریکا از کردهای معارض در سوریه و یا انتصاب مایکل دی آندره به عنوان رئیس بخش ایران در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که وی مسئول پیگیری عملیات شکار اسامه بن لادن رهبر پیشین القاعده و بسیاری از حملات پهپادهای آمریکایی به فرماندهان گروه های افراطی بوده است؛ نشان از آن دارد که انتخاب و انتصاب چنین فردی به ریاست بخش عملیات های ایران حکایت از موضع سختگیرانه دونالد ترامپ در قبال ایران دارد که خود سهم دیگری از نابخردی سیاسی و به چالش کشیدن امنیت منطقه ای و جهانی و همچنین رقابتهای ناسالم در روابط بین الملل به حساب می آید.

به مصداق همین رفتارهاست که گمان میرود ترامپ و مشاورانش به عمد یا سهو دچار خطایی عمده شده و با خروج از توافق تغییرات آب و هوایی منجر به صدمه زدن به زیر ساختهای کشاورزی آمریکا هم خواهند شد که درآمد سرشاری از این طریق عاید آمریکا میشود. چراکه جلگه عظیم کالیفرنیای مرکزی هم اینک دچار خشکی عمده است. در عین حال سطح آبهای ساحلی رو به کاهش گذارده و توفانهای ناخواسته در کشور و سوختن جنگلهای آمریکایی و تخریب مناطق ناشی از بحران اقلیمی است و خود تهدیدی جدی برای آمریکاست.

گمان می رود اعتراضات عمده در اجلاس گروه 20 که ماه آینده در آلمان برگزار خواهد شد، متوجه ترامپ شده و انتقادهای لازم و مستدل خود را نشان خواهند داد. البته پیش از این ترامپ با لغو پیمان همکاریهای منطقه اقیانوس آرام زمینه بر هم خوردن موازنه تجاری، اقتصادی را در میان کشورهای منطقه ای بر هم زده و همین امر باعث شده است که بسیاری از پارامترهای معقول ارتباطات اقتصادی، تجاری و به تبع آنها سیاسی میان آمریکا با اروپا، چین، هندوستان، کانادا، کشورهای دارای بنادر در اقیانوس آرام و آمریکای جنوبی را دچار مشکل جدی ساخته است.

جالب است بدانیم که در توافق تغییرات آب و هوایی تنها دو کشور سوریه(به دلیل بروز مشکلات درونی) و نیکاراگوئه امضاء نکرده بودند. اکنون آمریکا در این گروه قرار گرفت. این در حالیست که بسیاری از کشورهای جهان و حتی ابر قدرتهای اقتصادی توافقنامه های مختلفی را در زمینه های تحقیق و اجرا، سرمایه گذاریهای زیربنایی و همچنین همکاریهای استراتژیک در موارد مختلف به امضاء می رسانند. از همه مهمتر خروج از این پیمان خود زمینه برای استفاده بیشتر از منابع فسیلی را فراهم آورده و در عین حال نه تنها شرایط سیاسی- اقتصادی- نظامی امروز را تحت تأثیر قرار خواهد داد که آینده بشریت را هم نابود خواهد کرد. ندای جهانیان بر این است که "دنیای سبز را توسعه دهیم!" حال رفتار ترامپ در مقابل این ادعا را خود تعبیر کنید.